

ارزیابی فعالان سیاسی از کلید خوردن سوال از رئیس‌جمهور در مجلس

فرصتی برای پزشکيان

چند روز پیش بود که مجتبی ذوالنور، نماینده قم در مجلس، از طرح سوال جمعی از نمایندگان از رئیس‌جمهور درباره وضعیت اقتصادی کشور خبر داد که تا یکشنبه و دوشنبه پیش رو جمع‌آوری امضاها تکمیل می‌شود و وضعیت اقتصادی کشور محور سوال این نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهور است. او با بیان اینکه «استقبال از طرح سوال از رئیس‌جمهور خوب بوده و تلاش خواهیم کرد تا تعداد امضاها بیش از ۷۳ باشد تا اگر به هر دلیلی تعدادی از نمایندگان امضاها خود را پس گرفتند، تعداد امضاها از حد نصاب پایین‌تر نیاید.» در پی این اتفاق بحث‌هایی له یا علیه این تصمیم نمایندگان درباره زمان و علل این اتفاق به میان آمد. براساس خاطره جمعی ما اولین باری که سوال از رئیس‌جمهور مطرح شد در زمان محمود احمدی‌نژاد بود که ۷۹ نفر از نمایندگان (از جمله علی مطهری یکی از طراحان اصلی و پیگیرکنندگان این سوالات بود) سوالاتی در مورد اقدامات دولت و تصمیمات احمدی‌نژاد مطرح کردند. بخشی از این ۱۰ سوال مربوط به اعلام آمار غیرواقعی از دولت بود. در آن زمان شایع بود که روح‌الله حسینیان، حمیدرسایی و مرتضی آقائهرانی با زیر سوال بردن طراحان موفق شدند چند نماینده را قانع کنند تا امضاها ایشان را پس بگیرند. در نهایت این جلسه در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ برگزار شد که البته رفتار و گفتار احمدی‌نژاد به گونه‌ای بود که در پایان سخنانش، علی لاریجانی، رئیس‌مجلس، برخی از توضیحات آقای احمدی‌نژاد را مردود دانست و نحوه برخورد احمدی‌نژاد را مناسب ندانست و گفت: «مجلس جای شوخی نیست، جای مسائل جدی و مهم است.» پس از آن هم دوبار سوال از حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهوری در ۱۰ مرداد ۱۳۹۷ و ۱۵ تیر ۱۳۹۹ اعلام وصول شد و جلسه اولی در ۶ شهریور همان سال برگزار شد اما جلسه برای سوال دوم برگزار نشد. هم‌نظری و هم‌سویی دولت ابراهیم رئیسی و مجلس وقت هم موجب شد این راه باز شده در مجلس نهم محلی از اعراب پیدا نکند و خبری از سوال نباشد. حالاً در روزهای اخیر و در دولت چهاردهم خبر آمده که مجلس قصد سوال از رئیس‌جمهور را دارد.

فرصتی برای بیان حقایق

در پی این خبر غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب به انصاف نیز گفت: «طرح سوال مجلس عالی است اما در صورتی که پزشک‌های حقایق را راجع به خود این آقایان هم بگوید اما متأسفانه رئیس‌جمهور صبر می‌کند. کاش گرفتاری‌هایی که منشأ اصلی‌شان رفتار همین آقایان است و سال‌هاست برای مردم دردسر شده هم مطرح و باز شوند. مجموعه‌ی وضعیت کشور محصول کار یک سال آقای پزشک‌های نیست. این آقایان همان کسانی هستند که از زمان احمدی‌نژاد تا به حال برای گرفتاری بیشتر روز به روز تلاش کردند.» وی در ادامه افزود: «اگر در مورد خود این آقایان هم شفاف‌سازی شود تا مردم بدانند در انتخابات آینده با چه کسانی روبه‌رو هستند خوب است. چه کسانی و چه طور با ۱۰ درصد از این مجلس رفته‌اند و شرایط امروز کشور را ایجاد کرده‌اند.» کرباسچی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا توصیه به فاش کردن حقایق از سوی پزشک‌های موجب جنجال نمی‌شود؟! تصریح کرد: «حالا به هر حال این مجلس است که جنجال درست می‌کند. رئیس‌جمهور و سایر نهادهای سیاسی که این کار را نکرده‌اند. اگر بگوییم چنین کاری نکنند خیلی بد است چون وظیفه مجلس همین است. به نظر من خوب است اما رئیس‌جمهور هم باید شفاف پاسخ دهند و مردم را در جریان قرار دهند. نمی‌شود که یک طرف هر چه می‌خواهد بگوید و هر تهمت می‌خواهد بزند به طرف مقابل هر بار به خاطر مردم، کشور و انقلاب سکوت کند.» کرباسچی درباره آنچه پاسخ شفاف رئیس‌جمهور می‌خواند، گفت: «کاش آقای پزشک‌های شفاف بگوید که این آقایان دنبال چه مسائلی هستند و به اسم نمایندگی چه دخالتی در امور اجرایی کشور می‌کنند. کاش بگوید برای مدیرانی که آقای رئیس‌جمهور آن‌ها را صالح می‌داند چه کارشکنی‌هایی که نکرده‌اند. مسائل سیاست خارجی یا داخلی و یا وضعیت اقتصادی امروز سال‌ها متأثر از عملکرد همین آقایان بوده و شرایط حال حاضر درست شده است. خوب است که اینها از سوی رئیس‌جمهور بیان شود.»

آیا سوال به نفع مردم است یا نه؟

همچنین علی مطهری، فعال سیاسی و از طراحان اولین سوال از رئیس‌جمهوری در مجلس نهم در گفت‌وگو با انصاف‌نیوز گفت: «اگر نمایندگان واقعاً تشخیص می‌دهند که طرح سوال لازم است انجام این کار اشکالی ندارد. در دوران احمدی‌نژاد هم تلاش می‌کردند جلوی اصل طرح سوال را بگیرند و ما به این موضوع انتقاد داشتیم.»

ادامه در صفحه ۵



گفتار
سردبیر

راهبرد بقسا و تنفس

بحثی در تبیین مبانی روزنه‌گشایی و نسبت آن با زندگی روزمره، سیاست داخلی و سیاست خارجی امروز ایران و ایرانیان / بخش دوم و پایانی

گروه سیاست: محمدجواد روح، سردبیر روزنامه «هم‌میهن»، در بخش نخست گفتار خود که هفته گذشته در گروه تلگرامی «گفت و شنود» ارائه شد، به تبیین چرایی اهمیت بحث درباره مبانی راهبرد و ایده «روزنه‌گشایی» پرداخت و در ادامه، تصویری از زندگی روزمره، سیاست داخلی و سیاست خارجی ارائه کرد که طبق آن، در هر سه سطح نیروهای ضعیف‌تر در چارچوب ساختارهای تبعیض سیستماتیک، احساس بی‌پناهی می‌کنند و به عصیان یا انفعال روی می‌آورند که هر دو گزاره، برآمده از نارضایتی و خشم است. در بخش دوم و پایانی این گفتار، روح به تبیین نسبت راهبرد و ایده روزنه‌گشایی در این شرایط در هر سه سطح می‌پردازد و دو روایت موجود از این ایده را توضیح می‌دهد.

راهبرد نیروی ضعیف‌تر نسبت روزنه‌گشایی با سه سطح زیستن

اگر بخواهم در یک نگاه اجمالی هر سه سطح زندگی روزمره، سیاست داخلی و سیاست خارجی را توضیح دهم، شاهد نوع مسیری مشابه و مشترک در هر سه سطح هستیم که در دهه‌های اخیر تشدید شده است. در اینجا، نیروی ضعیف‌تر که می‌تواند شهروند عادی (در سطح زندگی روزمره) یا نیروی تغییر خواه سیاسی (در سطح سیاست داخلی) یا یک کشور ضعیف در نظم بین‌المللی موجود (در سطح سیاست خارجی) باشد؛ خود را در ساختار تبعیض‌آمیز مسلط یا نوعی بی‌پناهی روبه‌رو می‌بیند و طبیعتاً به سمت عصیان یا انفعال کشیده می‌شود. راهبرد یا ایده «روزنه‌گشایی» دقیقاً در چنین وضعیتی است که معنا می‌یابد. در واقع، روزنه‌گشایی راهبردی از سر ناچاری برای زیستن در یک نظم تبعیض‌آمیز سیستماتیک است و نه چنان که تصور می‌شود، پدیده‌ای سانسیمانتال و شیک یا رویکردی قدرت‌طلبانه از طریق بستن یا این و آن. از این منظر، روزنه‌گشایی، یعنی اینکه نیروی ضعیف‌تر در شرایطی که توسط نیروی مسلط از هر طرف محاصره شده، چاره‌ای ندارد جز اینکه راهی روزنی برای بقا و تنفس پیدا کند. در واقعیت امر، شاید هرگز هم روزنی نیابد و نگشاید؛ اما به هر حال، آن را می‌جوید و حداکثر تلاش خود را برای استفاده از حداقل امکانات موجود در این نظم تبعیض‌آمیز به کار می‌گیرد. این روند روزنه‌جویی را در هر سه سطح می‌توان دید. یک شهروند عادی بی‌پناه اگر نخواهد به سوی انفعال یا عصیان برود، بالاخره می‌گردد که راهی برای گذران معیشت و تنفس در این روزگار سخت بیابد یا بجوید. نیروی سیاسی یا اجتماعی منتقد وضع موجود هم در فضای انسداد سیاسی اگر نخواهد در دوگانه عصیان یا انفعال بیفتد، می‌کوشد روزنی برای تنفس و بقا بیابد. در سطح جهانی هم همینطور است. اگر کشوری مانند ایران نخواهد به‌عنوان کشوری عصیانگر و تهدیددی برای نظم جهانی شناخته بشود و به تبع آن، پیامدهای آن از جمله حمله نظامی خارجی گسترده با اجماع جهانی را متحمل شود و در عین حال، در قبال روند تحولات جهانی هم منفعل نباشد، راهی جز روزنه‌گشایی و در واقع، روزنه‌جویی برای

تنفس و بقا ندارد. این روزنه‌جویی برای تنفس و تلاش برای بقا در هر سه سطح وجود دارد و در شرایط کنونی ایران، سطح جهانی و سیاست خارجی مهمتر و کلیدی‌تر است. نیروی ضعیف‌تر برای تنفس و بقا در شرایطی که تحت محاصره نیروی مسلط قرار دارد، ناگزیر است یکسری اولویت‌ها و حتی یکسری از ارزش‌ها و حقوق خود را کنار بگذارد. این موضوعی است که امروز، باید به‌صراحت و بی‌تعارف به خودمان، دیگران و اگر می‌توانیم بر تصمیم‌سازان تأثیر بگذاریم، به آنان بگوییم. اینکه ما الان در شرایط مرز بین حیات و مماتیم، در شرایطی هستیم که هوایی برای نفس کشیدن نیست، راهی برای حداقل صادرات و واردات کشور نیست، حتی در سطح دارو، در حد نهاده‌های دامی، در حد غذا و چنین مواردی وضعیت‌مان خوب نیست. حتی شرایط ما ممکن است از شرایط نفت در برابر غذای رژیم صدام یا کشورهای مشابه دیگر هم دشوارتر باشد. این برداشتی است که از اخبار مقامات رسمی به دست می‌آوریم. بنابراین، ما ناچاریم یکسری ارزش‌ها، اولویت‌ها و آرمان‌هایی را که شاید در وضعیت طبیعی یا ایده‌آل مجال طرح داشت، کنار بگذاریم. این کنار گذاشتن اولویت‌های پیشین و دست کشیدن از آرمان‌ها به معنای بی‌پرنسیبی، بی‌غیرتی، مرعوب بودن و سایر ناسازگاری‌هایی که معمولاً گفته می‌شود، نیست. میانه‌روها و کسانی که در شرایط امروز ایران همچنان از ضرورت تکیه بر دیپلماسی می‌گویند، نه‌تنها بی‌پرنسیب و مرعوب نیستند؛ بلکه اتفاقاً این را باید ناشی از شجاعت آنها دانست. من اخیراً در مورد صحبت‌های آقای روحانی مطلبی نوشتم و در آن، از «شجاعت میانه‌روی» سخن گفتم. متقدم روزنه‌گشایی یا روزنه‌جویی نیز چه در زندگی روزمره، چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی ناشی از شجاعت و متکی بر یک شجاعت اخلاقی است. شجاعت اینکه وضعیتی را که واقعاً وجود دارد، اولاً بفهمیم و بعد شجاعانه بپذیریم و در ادامه در برابر این واقعیت زشت و پلید و دردآور، بیاییم و بگوییم که باید یک راهی جست یا حتی امکان گشایشی را باید پیدا کرد؛ مشابه مطالبی که آقای روحانی در صحبت اخیرش گفته است. اتفاقاً شجاعت این است نه اینکه سیاستمدار یا دیپلمات ما بیاید شعار بدهد، فحش به ترامپ بدهد یا مدعیان وفاداری به انقلاب عروسک ترامپ را در راهپیمایی ۲۲ بهمن آتش بزنند. اینها شجاعت نیست؛ نمایش شجاعت است. شجاعت این است که در این کشوری که در آن در قبال مردم و ملت مسئول هستید، بتوانید راهی بیابید که هر شهروند ایرانی بتواند حداقل زندگی عادی‌اش را بگذراند. دارو، غذا و آب و برق داشته باشد. غول افسارگسیخته تورم هر روز درآمد و سرمایه و پس‌انداز حداقلی او را نبلعد. حتی بحث دموکراسی و حقوق بشر و این مطالبات هم نیست؛ بلکه بحث زندگی روزمره است. تا کی این جامعه باید لگدکوب شود که شما حس غیرت به هم نخورد و عزت پایمال نشود؟ کل ملت ایران عزتشان دارد پایمال می‌شود. اگر می‌گوییم «حکمت، عزت، مصلحت» مبنای سیاست خارجی ایران است؛ این عزت فقط برای این نیست که شما علیه ترامپ شعار بدهید یا توطئه‌های آمریکا را افشا کنید. این عزت، عزت تک‌تک شهروندان ایران است و سیاست

خارجی باید در جهت تأمین این عزت، طراحی و پیگیری شود. نه اینکه هر روز طبقه متوسط و تک‌تک شهروندان نابود شوند و درصد بیشتری از جمعیت زیر خط فقر و درگیر فقر مطلق شوند. این چه عزتی است؟ این چه سیاست خارجی عزت‌مندانه‌ای است؟ عزت هدف سیاست خارجی است؛ نه اینکه به اسم عزت، شعار دهیم و ژست بگیریم. چند سال قبل در هفته‌نامه «صدا» مطلبی نوشتم با عنوان «ناسیونالیسم وارونه» که از همان زمان بابت آن دارد به من حمله می‌شود و نویسندگان کیهان و سایر رسانه‌های رادیکال مدام به آن کد می‌آورند و می‌گویند هدف غایی طرفداران مذاکره همان است که فلائی در این مطلب نوشته است. اما حرف من آنجا چه بود؟ حرفم این بود که ناسیونالیسم اصیل و واقعی این است که مقامات هر کشوری برای تأمین منافع ملی و بهبود وضعیت کشور و شهروندان خود هر کاری از دست‌شان برآید، بکنند؛ حتی اگر نیاز است مانند آن مقام صرب به آن شکل با ترامپ دیدار کنند؛ نه اینکه خود را ناسیونالیست بخوانیم و شعارهایی دهیم که هزینه آن از جیب تک‌تک شهروندان کشور پرداخته شود و کشور را منزوی و دچار تهدید و تحریم کنیم. اگر بر اساس منافع ملی از یک مقام یا مسئول کشور انتظار می‌رود که از خودش بگذرد، باید این کار را بکنند. این «جهاد نفس» یا «جهاد اکبر» که در اسلام به آن اشاره می‌شود، فقط برای تزکیه و اعتکاف نیست. جهاد نفس یعنی از خودتان بگذرید برای منافع کشور و عزت ملت و حتی برای بقا و دوام همین نظام سیاسی که در آن مسئول هستید. اینکه حاضر باشند شعارهای «زننده‌باد و مرده‌باد» هواداران‌شان بگذرند. اما بسیاری از شهروندان عادی جامعه در این جهاد نفس که در اسلام مصداق جهاد اکبر است، پیروز شده‌اند. در وضعیت فعلی یک شهروند با شرایط سخت معیشتی و وضعیت متأثر از شرایط جنگی، کم‌آبی، کمبود سوخت، کمبود برق و... درگیر است. یک خانواده‌ای که بالاخره درآمد ثابت و محدودی داشته و افزایش درآمدی نداشته، مجبور می‌شود از اولویت‌ها و ایده‌آل‌هایش که در شرایط پیشین و نرمال‌تر داشته، بگذرد. یعنی، اگر آن زمان که وضع اقتصادی کشور بهتر بود، او می‌توانست مسافرت داخلی و خارجی برود و پس‌انداز کند یا لوازم خانگی و پوشاک نو بخرد یا خانه و خودروی خود را تعویض کند، در شرایط فعلی از آنها می‌گذرد. از طرفی، پدر و مادر و حتی فرزندان بزرگتر سعی می‌کنند درآمد خانواده را به هر شکلی شده ۱۰ درصد یا ۲۰ درصد افزایش دهند تا از این تورم جا نمانند. مثلاً دو شیفت یا سه شیفت کار می‌کنند. چرا شهروند عادی از اولویت‌های قبلی خودش دست می‌شوید و بر تلاش خودش می‌افزاید؟ برای اینکه بتواند در این وضعیت بحران‌زده، بقا پیدا کند. این، همان روزنه‌گشایی یک شهروند عادی در این شرایط سخت زندگی است. در سیاست خارجی و سیاست داخلی هم همین است. بالاخره نیروهای بهبودخواه و تغییرخواه و اصلاح‌طلب زمانی در دهه ۷۰ و ۸۰ شعارهای توسعه سیاسی و دموکراسی می‌دادند. ولی وقتی دچار انسداد و تحریم و شرایط کشور بعدی از ۸۸ و اوایل دهه ۹۰ شدند، همان نیروها برای بقای